

واکاوی کارکردهای متقابل موسیقی و توسعه اجتماعی با میانجیگری رادیو (از بدو تأسیس رادیو تاکنون)

نوشته

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۴

محمودرضا حمیدی فتح آبادی *

علی بقائی سرابی **

افسانه وارسته فر ***

چکیده

هدف این مقاله، احصای نقش ارتقای بخش متقابل موسیقی و توسعه اجتماعی، با میانجیگری رسانه رادیو به وسیله کنکاش در دوره‌ای مشخص از تاریخ کشور ایران و از زمان تأسیس رادیو تاکنون است. در راستای این هدف، با اتکا به رویکرد جامعه‌شناسی، ظرفیت‌های چندگون رسانه رادیو در تبادل توانمندی‌های موسیقی و توسعه اجتماعی، برای ارتقای جایگاه یکدیگر مورد شناسایی قرار گرفت. در این پژوهش از روش تحلیل تاریخی استفاده شده است. با جست‌وجوی هدفمند در منابع معتبر، نمونه‌های واقعی از اپیزودهای تأثیرگذاری متقابل موسیقی و جنبه‌های گوناگون توسعه اجتماعی ایران، با میانجیگری رسانه رادیو استخراج شد. نتایج پژوهش نشان داد که موسیقی و خرده‌نظام اجتماعی ایران با میانجیگری فعال رسانه رادیو در ارتقای توان سازگاری و کنترل، هدف‌گذاری و بسیج توانمندی‌ها و قابلیت‌ها، پیوندیابی و پیوندزنی در میان کنشگران اجتماعی و تقویت حفظ هویت حرفه‌ای و اجتماعی نقش دارند. رسانه رادیو، به نوبه خود، از ظرفیت‌های هنر موسیقی و نظام اجتماعی در راستای هویت‌یابی، شیوع مصرف، رقابت در پیام‌رسانی و گسترش ظرفیت نهادی خود بهره‌مند شده است.

کلیدواژه: رسانه رادیو، موسیقی، توسعه اجتماعی، روش تحلیل تاریخی.

* دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران

f.hamidi2020@gamil.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران

afvarestefar@yahoo.com

مقدمه

رادیو یکی از با ارزش‌ترین نوع رسانه‌ها در یک قرن گذشته محسوب می‌شود، که جایگاه محبوبی در میان مخاطبان خود کسب کرده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این محبوبیت، در استعداد فنی منحصربه‌فرد این رسانه نهفته است، به طوری که پیام را به سریع‌ترین و راحت‌ترین شکل ممکن به گیرندگان پرشمار خود می‌رساند، که طیفی از افراد باسواد و بی‌سواد، فقیر و ثروتمند، در حین انجام فعالیت یا فارغ از انجام هر فعالیت دیگر را پوشش می‌دهد. رادیو، قدرت تخیل و تصویرسازی ذهنی شنونده را فعال می‌کند و بنا بر تجهیز شنوندگان به قدرت تخیل ذهنی و توانایی ارائه تفسیرهای بدیع و بی‌بدیل از پیام‌ها، خبر و علائم دریافتی، بیش از آنچه که در فحوای پیام قرار دارد، جلوه می‌کند (هوروویتز، ۲۰۰۵).

تا قبل از ظهور رادیو در ایران (۱۳۱۹ ه. ش) رسانه‌های دیگری نظیر روزنامه‌ها، محافل و پاتوق‌های ارتباطی، پیام‌ها را به صورت سنتی (سینه‌به‌سینه) انتقال می‌دادند. این فرایند در ایام دورتر، از طریق نقش و نگارها و کتیبه‌ها و نوشته‌هایی که به عنوان رسانه‌های مکتوب از آن‌ها یاد می‌شود به وقوع می‌پیوست. با اختراع رادیو توسط مارکنی^۲ به یکباره انقلاب عظیمی در ارسال پیام، صورت گرفت که با وجود ابداع رسانه‌های تصویری و چند رسانه‌ای‌ها، این رسانه ارزشمند، هنوز جایگاه خود را در میان مخاطبان حفظ کرده است.

به طور سنتی، محتوای برنامه‌های رادیو از زمان تأسیس تا کنون، مملو از آثار هنری موسیقی بوده و طرح این گزاره قابل دفاع است که هیچ روز کاری بدون بهره‌گیری از آثار موسیقی در رادیو و برنامه‌های آن وجود نداشته و تصور چنین امری محال به نظر می‌رسد. موسیقی در آیتم‌های گوناگون رادیو شامل سرگرمی، تیتراژها، پر کردن فواصل آیتم‌ها، زمینه برنامه‌های مختلف نقش فرعی دارد، اما در موارد زیادی به عنوان محتوای اصلی برنامه‌های رادیو مورد استفاده قرار گرفته است. به اقتضای تقویم و مناسبت‌های ملی - مذهبی و در راستای سیاست‌گذاری‌های شبکه‌های مختلف رادیویی، کم و کیف نقش‌آفرینی موسیقی متغیر است؛ به طوری که در ایام عزاداری، ژانر موسیقی‌های مورد استفاده متفاوت با مناسبت‌های شادباش و اعیاد است. این مقاله تلاشی در راستای معرفی یکی از موثرترین نقش‌های رسانه رادیو در تبادل آثار مثبت موسیقی و نظام اجتماعی ایران است.

بیان مسئله

نظام‌های اجتماعی در طول دوران بقاء خود، رشد و افول نسبی می‌یابند و اما، در هر دو حالت نسبت به دوران قبل وضعیت مطلوب‌تری از حیث امکان برخورداری از رفاه اجتماعی می‌یابند؛

1. Horowitz
2. Marconi (1874-1937)

چیزی که در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی تحت عنوان "توسعه اجتماعی" مفهوم سازی شده است. مصادیق بارز توسعه نظام اجتماعی در کاهش ناامنی‌ها، گسترش عدالت، به رسمیت شناخته شدن حقوق برخورداری از مواهب طبیعی و زیبایی‌های آن، مشارکت و نقش آفرینی توأمان زنان و مردان در تعیین سرنوشت خود، منزلت‌یابی و کرامت‌یابی همه اقشار جامعه، رفع تبعیض‌ها و تحمل سبک‌های زندگی متفاوت، هویت‌یابی تمام گونه‌های قومی و اعتقادی از طریق انتقال ارزشی، انسجام‌بخشی به اجتماع محلی در بستر جهانی و نظایر آن تجلی می‌یابد (میجلی، ۱۹۹۸).

اهرم‌های ارتقاء وضعیت نظام‌های اجتماعی به سمت "توسعه اجتماعی" در درازمدت، به عوامل کم‌شمار ساختاری نسبت داده می‌شوند، که اغلب از جنس عوامل فرهنگی به حساب می‌آیند (مارانا، ۲۰۱۰). در این میان "فرهنگ" به مثابه مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مشترک، میان اعضای یک اجتماع معین، شامل "هنر" نیز می‌شود که نقش بی‌بدیلی در تحقق برخی از مصادیق توسعه اجتماعی دارد (آزودو، ۲۰۱۶). هنر "موسیقی" حامل اصلی‌ترین عناصر فرهنگی جوامع است که بر پیکر "آواها" سوار شده و با استفاده از رسانه "رادیو" تمام مرزهای جغرافیایی و اعتقادی را درمی‌نوردد. بدین سان ارتباط میان هنر موسیقی و رسانه رادیو یک ارتباط متقابل از نوع ارتقای موازی قلمداد می‌شود (راجر، ۲۰۰۸). این گزاره که موسیقی، به‌طور چند منظوره در ارتقای توانمندی‌های رسانه رادیو نقش آفرینی کرده است، می‌تواند دلالت بر آن داشته باشد که، در برگشت، رادیو نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، در ارتقای کم و کیف موسیقی نقش بارزی دارد (سلاسن، ۲۰۱۳: ۷۹).

تاقبل از ورود رادیو به ایران، موسیقی در دسترس طیف خاصی از مردم قرار داشت. فعالان موسیقی توانمند، بیشتر به ارائه کارهای خود در دربار پادشاهان قاجار مشغول بودند و محل خاصی برای اجرای کنسرت و برگزاری برنامه‌های آنان، با حضور مخاطب کثیر وجود نداشت. فعالان حوزه موسیقی، یا برآمده از میان درباریان بودند که از موسیقی دستگاهی اصیل استفاده می‌کردند، که "موسیقی فاخر درباری" نامیده می‌شد، یا اینکه در ژانر "تخته حوضی" (روحوضی) نواخته می‌شد که محتوای آن را اشعار بسیار عامیانه و "هجو" تشکیل می‌داد و گاهی در انظار عمومی و محافل عوام اجرا می‌شد. بین موسیقی تخته حوضی و موسیقی فاخر درباری، شکاف فنی عمیقی دیده می‌شد که در اوایل دوره پهلوی اول، همزمان با شروع دوران مدرنیته و تغییر و تحول‌های

1. Midgley
2. Marana
3. Azevedo
4. Rager
5. Celasin

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، موسیقی‌دانان ایرانی به فکر پرکردن این شکاف افتاده و با تغییر و تبدیل‌های مختلفی، ژانرهای متنوعی بین این دو سطح ایجاد کردند که از جمله آن‌ها می‌توان ژانرهای پاپ اصیل، پاپ محلی، پاپ جاز و انواع موسیقی مردمی را نام برد که تاکنون نیز تداوم یافته است (میرنقیبی، ۱۳۷۷: ۲۵).

در اثنای این تغییر و تحول‌ها و ایجاد سبک‌های موسیقی‌های نو و همسان با سلیقه و درک جامعه، به ناگاه رادیو ظهور کرد و تأسیس آن، نقطه عطفی برای انتشار و پخش موسیقی از این رسانه فراگیر شد. از آنجا که موسیقی یک هنر شنیداری و رادیو نیز یک رسانه شنیداری محسوب می‌شود، قرابت خاصی از لحاظ تولید معنا و رساندن پیام به مخاطب بین این دو وجود دارد (کوثری، ۱۳۹۱: ۱۲).

کانون توجه این مقاله نقش‌آفرینی این دو هنر-رسانه شنیداری-در تغییر یا ثبات ناخواسته و نامطلوب، یا خواسته و مطلوب جنبه‌های مختلف نظام اجتماعی ایران است. از یک طرف، در هم‌تنیدگی هنر موسیقی و رسانه رادیو از حیث ساختی-کارکردی و شیوع مصرف‌گسترده رادیو و پرداختن عموم مردم به موسیقی از سوی دیگر، به طور بالقوه، آفریننده این انتظار نظری است که ارکان مهم جامعه ایرانی، نظیر همبستگی و انسجام، هویت ملی-مذهبی، انتقال بین‌نسلی عناصر فرهنگی، سرمایه اجتماعی، تحرک اجتماعی و مواردی از این قبیل ارتقا یا زوال نسبی بیابند (ملکان و موذن، ۱۳۹۴: ۴۶). آفرینش، رشد و تداوم عملکرد هنر موسیقی و رسانه رادیو در داخل این نظام اجتماعی، موجب انتظار نظری دیگری است که طبق آن، کم و کیف آن دو هنر، رسانه شنیداری از توسعه نظام اجتماعی متأثر می‌شود. اینکه کدام یک از انتظارات نظری، در دوره‌ای از تاریخ ایران محقق شده است، نیاز به تحقیق دارد. به طور منطقی سر آغاز تعامل چند سویه این مثلث یادشده، ظهور و ورود رادیو به کشور ایران است. هدف اصلی این مقاله جست‌وجو و استناد به وقایع تاریخی است که نشان از میانجیگری رادیو در گسترش تعامل متقابل موسیقی و ارتقای نظام اجتماعی ایران از آغاز تأسیس رادیو تا کنون دارد، به طوری که مصادیق تاثیرگذاری موسیقی بر گسترش یک یا چند شاخص توسعه نظام اجتماعی ایران بازشناسی شود. در این راستا، به نظریه‌های مکتب ساختی-کارکردی در جامعه‌شناسی رجوع و حسب انتظارات نظری مشتق از آن‌ها، به وقایع تاریخی معطوف به رد یا قبول آن انتظارات نظری، استناد می‌شود.

چارچوب مفهومی

ارتباط متقابل اجزای یک جامعه، بیش از همه در نظریه‌های مکتب ساختی-کارکردی مطرح نظر قرار گرفته است. کارکردگرایی ساختاری، در آثار تالکوت پارسونز و رابرت مرتن تجلی بارزی دارد. هر دوی این نظریه‌پردازان بر این نکته توافق دارند که بنیان جامعه هنجارها و ارزش‌های مشترک هستند. از دیدگاه پارسونز، ثبات نظام‌های کنش اجتماعی با رفع چهار ضرورت کارکردی،

در قالب تحلیلی طرح (ای.جی.آی.ال) محقق می‌شود. کارکرد به مجموعه‌ای از فعالیت‌های معطوف به برآوردن نیازهای نظام اجتماعی اطلاق می‌شود که دست‌کم شامل چهار کارکرد ضروری است: انطباق^۲، هدف‌یابی^۳، هماهنگی^۴ و نهفتگی^۵ یا حفظ الگو. جوامع در سطح عملی و انضمامی، ساختارهای معینی را برای پاسخ به آن چهار نیاز ضروری، ساخته و پرداخته می‌کنند. ارگانیک‌ترین رفتار به کار انطباقی و سازگار شدن با دنیای بیرون و دگرگون کردن آن می‌پردازد. نظام شخصیت، کار هدف‌یابی را با تعریف اهداف نظام و بسیج منابع برای رسیدن به آن‌ها بر عهده می‌گیرد. نظام اجتماعی، با کنترل اجزا و ایجاد پیوند میان آن‌ها عهده‌دار هماهنگی است. نظام فرهنگی با فراهم آوردن هنجارها و ارزش‌ها برای کنشگران که برانگیزنده آن‌ها به کنش است، کار حفظ الگوها را انجام می‌دهد. نظام‌های کنش اجتماعی، به شرحی که گفته شد از خاصیت وابستگی متقابل، گرایش به تعادل، تغییر منظم، مرزبندی با محیط در عین کنترل نوسان‌های محیطی برخوردار هستند (پارسونز، ۱۳۷۹).

در جوامع مدرن، ساختار یا خرده‌نظام اقتصاد برای ایفای کارکرد انطباق با محیط از طریق کار، تولید و تخصیص اقدام می‌کند. سیاست، کارکرد هدف‌یابی را با دنبال کردن اهداف جامعه و بسیج کنشگران و منابع برای آن هدف انجام می‌دهد. نظام فرهنگی (برای مثال انواع هنرها نظیر موسیقی) کارکرد نهفتگی را با انتقال فرهنگ (هنجارها و ارزش‌ها) و فراهم آوردن امکان درونی شدن آن‌ها برای کنشگران انجام می‌دهد. همچنین هماهنگی اجزای مختلف جامعه از طریق خرده‌نظام اجتماعی میسر می‌شود.

به‌رغم اهمیت ساختارهای نظام اجتماعی، خرده‌نظام فرهنگی تاج سر هر جامعه‌ای محسوب می‌شود، چون میانجی تعامل کنشگران بوده و دارای این ظرفیت خاص است که "جزئی از نظام‌های دیگر" بشود. اما از موجودیت مستقلی به صورت مخزن دانش، نمادها و افکار برخوردار است. این ویژگی نمادین (ذهنی) توانایی کنترل سایر نظام‌های کنش را اعطا می‌کند.

بر اساس مبانی نظری فوق، می‌توان انتظار داشت هنر موسیقی از طریق رسانه رادیو، منشأ آثار کارکردی برای ارتقای نظام اجتماعی از طریق رسوخ در نظام‌های ارزشی کنشگران در حال تعامل با یکدیگر شده و هماهنگی بین کنشگران را تسهیل کند.

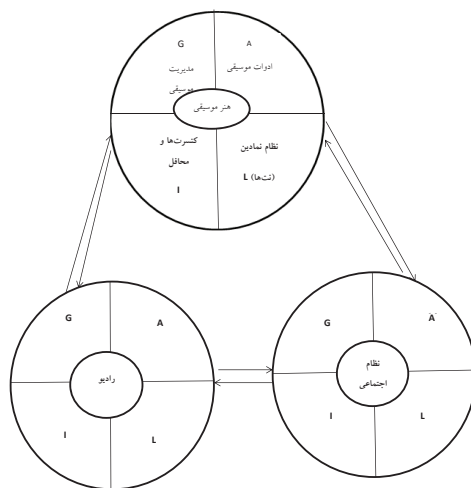
با اینکه تالکوت پارسونز، مهم‌ترین نظریه پرداز ساختی - کارکردی است، اما رابرت مرتن

1. A.G.I.L
2. Adaptation
3. Goal attainment
4. Integration
5. Latency

به بیان نکات مکمل آن رویکرد نظری پرداخته است. از دیدگاه وی، تمام ساختارها و رسوم و عقاید و عناصر - نظیر هنر موسیقی - کارکرد مثبت ندارند، حتی می‌توانند هیچ کارکردی نداشته باشند (ممکن است در گذشته دارای پیامدهای مثبت یا منفی بوده باشند، اما دیگر هیچ اثر مهمی در وضعیت حال نداشته باشند) و جایگزین‌های ساختاری گوناگونی قادر به انجام کارکرد واحد هستند. علاوه بر آن، می‌توان تصور کرد که هر ساخت اجتماعی کارکرد آشکار یا پنهان داشته باشد. کارکرد آشکار، مطلوب است و کارکرد پنهان، ناخواسته و غیرمنتظره است. از این منظر، کشف پیامدهای ناخواسته هنر موسیقی مستلزم تحلیل جامعه‌شناسی و "برملاکردن" آثار واقعی آن فراسوی مقاصد اعلام‌شده یا نسبت داده‌شده است.

موسیقی، به عنوان جزئی از نظام اجتماعی، یک "محصول فرهنگی" و "شکل نمادین" قلمداد می‌شود به طوری که گفته می‌شود موسیقی به عنوان صدای سازمان‌یافته، بیانگر جنبه‌هایی از تجربه جمعی جوامع بشری است. در قالب نظریه ساختی - کارکردی مذکور، موسیقی به عنوان یکی از اجزاء خرده‌نظام فرهنگی قلمداد می‌شود که به نوبه خود، برای انجام کارکردهای مخصوص به خود نیاز به ایجاد چهار عنصر در درون خود دارد که عبارت‌اند از: ادوات موسیقی (A)، مدیریت موسیقی (G)، کنسرت‌ها و شنیدن آثار (I) و نظام نمادین موسیقی (L).

با توجه به چهار کارکرد مدل پارسونز، می‌توان تأثیرهای متقابل موسیقی بر نظام اجتماعی و برعکس آن یعنی تأثیرهای نظام اجتماعی بر جایگاه موسیقی را بررسی کرد، که در این میانه نقش رسانه رادیو به عنوان عنصر میانجی، برجسته و مهم است.



شکل ۱. مدل چندسویه ارتباط موسیقی و نظام اجتماعی با استفاده از رسانه رادیو به عنوان میانجی

روش تحقیق

در این پژوهش به منظور احصای دلالت‌های متقابل موسیقی و نظام اجتماعی، با نقش‌آفرینی رسانه رادیو در دوره زمانی ورود رادیو به ایران تا اواخر سال ۱۳۹۹ از روش تحلیل کیفی تاریخی بهره گرفته شد. روش بازسازی سیستماتیک و عینی گذشته، با استفاده از فنون گردآوری، ارزشیابی تعیین درستی یا نادرستی و ترکیب رخدادها، به منظور تأیید یا رد وقایع، در آخر تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد. این کار عموماً بر فرضیه‌ای معین بنا نهاده می‌شود (ملائی توانی، ۱۳۹۳). بدین ترتیب که قراین موردی - یعنی رخدادهای مشخص در زمان و مکان توسط عاملان انسانی مشخص - در دوره مشخص، از زمان ورود رادیو (زمانی در گذشته) قریب به آغاز دوره پهلوی اول تا اواخر حکمرانی دولت تدبیر و امید (در حال حاضر) در کشور ایران، از خلال منابع تاریخی و آثار مرتبط با رسانه، موسیقی و مختصات نظام اجتماعی جست‌وجو و انتخاب شدند.

جدول ۱. طرح پژوهش تحلیل کیفی تاریخی

موردهای مطالعه			
یک کشور	چند کشور	تعداد زیادی کشور	
زمانی در گذشته (ورود رادیو به ایران / ۱۳۱۹)			
*	-	-	کیفی
میان زمانی (دوره‌های پهلوی اول تاکنون)			
**	-	-	کیفی
در حال حاضر (دولت تدبیر و امید)			
***	-	-	کیفی

در این راستا، ابتدا، منابع داده‌ای غنی از قراین مرتبط با موضوع گردآوری شد؛ بعد، منابع داده‌ای مذکور بر اساس معیارهای چندگانه (اعتبار علمی تولیدکننده منبع، قرابت زمانی تولید اثر و واقعه مورد بررسی، فراوانی استناد به اثر، ...) اولویت‌بندی و مورد مطالعه قرار گرفتند. هر یک از قراین مورد اشاره، در بخش یافته‌های این پژوهش از مختصات فرهنگی، اجتماعی تاریخمند مشخصی باردار هستند و بر معناهای معینی در بستر تاریخی مربوط به خود دلالت دارند (اسکاجیول، ۱۳۹۲). در استخراج قراین از آن منابع، محققان به رویکرد شخصی و حرفه‌ای خود (نوازندگی و پژوهشگری موسیقی و پژوهشگری اجتماعی) متکی بودند (نمونه‌گیری نظری - هدفمند) و در هر مورد، به جزئیات داده‌ها و ارتباط میان آن‌ها با بستر وقوع رخدادهای رفتاری و کلامی، توجه ویژه مبذول کردند. لذا، گزاره‌های بیان‌شده (ربط رخدادها به یکدیگر در بستر زمانی و مکانی) در این پژوهش از جنس

گزاره‌هایی با تعمیم محدود یا گزاره‌های تفریدی به حساب می‌آیند، به طوری که در عین اینکه پاره‌ای از تن جامعه ایرانی، در دوره‌های مشخص هستند (اعتبار درونی دارند) اما الزاماً در تمام دوران مذکور، و در موردهای دیگر (کشورهای دیگر) قابل تکرار نیستند (ملائی توانی، ۱۳۹۳). گزاره‌های مذکور، در خصوص دلالت متقابل موسیقی و نظام اجتماعی، با توسل به آن دسته از نظریه‌ها و رویکردهای جامعه‌شناختی تفسیر می‌شوند که در ابتدای این مقاله مورد اشاره قرار گرفتند. دلالت مزبور به اعتبار استفاده از روش توافق به دست آمد، به طوری که حضور رادیو، موسیقی و مختصات نظام اجتماعی در رخداد‌های دست‌کم در یک زوج از دوره‌های زمانی پیش‌گفته به‌طور مشترک، دلالت بر نقش‌آفرینی آن‌ها دارد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش از مقاله، ابتدا گزاره‌هایی ارائه می‌شود که بر نقش‌آفرینی موسیقی در توسعه مختصات نظام اجتماعی ایران با عاملیت رادیو دلالت دارد. بعد، به واری دلالت‌های تحول‌های توسعه‌ای بر ارتقای جایگاه موسیقی با نقش‌آفرینی رادیو پرداخته می‌شود. در ادامه، رشد رسانه رادیو به تاسی از تحول‌های توسعه‌ای نظام اجتماعی و ارتقای جایگاه موسیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. درنهایت، گزاره‌های مستخرج از روابط سه ضلعی مذکور بیان می‌شود.

الف. دلالت موسیقی و جایگاه آن در توسعه نظام اجتماعی با نقش‌آفرینی رادیو

۱. **دلالت انطباقی.** از زمان ورود رادیو و گسترش استفاده از آن در ایران (۱۳۱۹) موسیقی با عاملیت رسانه رادیو توانست ژانرهای هنری موسیقی را منطبق با احساسات و قشربندی اجتماعی و قومیتی تعمیم دهد. پیش از حضور رادیو در ایران، جامعه با معضل بنیادین، در زمینه تعیین طبقاتی ژانر موسیقی (بورديو، ۱۳۹۰) مواجه بود، به طوری که اختلاف بین اعضای طبقات مختلف جامعه بر حسب تولید و مصرف ژانرهای مختلف موسیقی بارز بود. موسیقی، یا به‌صورت موسیقی اصیل نواخته و مصرف می‌شد که مختص خواص بود و به آن موسیقی فاخر یا درباری گفته می‌شد؛ یا به‌صورت موسیقی روح‌حوی (تخته حوضی) نواخته و مصرف می‌شد که مخصوص عوام و مردم کوچه و بازار بود. ژانر سوم موسیقی‌های محلی نامیده می‌شد که در منطقه مکانی مشخص نواخته و شنیده می‌شد (حجاریان، ۱۳۹۸: ۱۰).

علاوه بر آن، با شروع قرن بیستم و آغاز دوران مدرنیته، نیاز جامعه به ژانرهای جدید موسیقی کاملاً بارز بود. در این دوران رادیو نیز تأسیس شد و به یکی از مؤثرترین عوامل برای انطباق جامعه با شرایط نوین تبدیل شد. همزمان با پدید آمدن انواع ژانرهای موسیقی جدید، نیاز به یک وسیله ارتباطی و ابزار انتقالی خاص بود، که رادیو از این حیث بهترین گزینه بود؛ زیرا به مثابه یک رسانه شنیداری موجب انطباق احساسات، روح و ذهن از طریق شنیدن

می‌شود. تحقیق‌های متعددی، بر نقش شنیدن موسیقی در افزایش سازگاری اجتماعی، بهزیستی اجتماعی و کاهش سندرم ویلامز (ناهنجاری‌های قلبی و عروقی و عقب‌ماندگی ذهنی) اذعان کرده‌اند (شولکین، ۲۰۱۳).

۲. نیل به هدف. هر نظام اجتماعی، باید اهداف متعالی و متعارف مشخص شده‌ای را مستقر و منابع لازم را به سوی دسترسی به آن اهداف بسیج کند. از آنجا که موسیقی واجد وجه زیباشناسی است و تأثیرات معنوی آن بر روح و روان جامعه محرز است، می‌تواند نقش مهمی در تسریع و تداوم بسیج مردم به سمت آن اهداف متعارف و متعالی داشته باشد (محمدپور، شریعت‌پناه و غلامی، ۱۳۹۲).

تا قبل از حضور رادیو در ایران، کنشگران موسیقی، به دلیل فقدان امکان ارتباط با تعداد کثیری از اعضای جامعه، مجبور بودند به صورت اختصاصی، محدود و هدف‌گذاری شده با مخاطب خود ارتباط برقرار کرده و به انتشار و جای‌گذاری آن اهداف در روح و روان اعضای جامعه بپردازند. حتی حضور گرامافون و ضبط آثار شنیداری، که از سال ۱۲۸۵ رواج یافته بود، به دلیل عدم دسترسی اکثریت و توانایی نشر و اشاعه موسیقی نتوانست به القای اهداف متعالی و متعارف کمک کند. ظهور رادیو، از یک سو، با دعوت کنشگران موسیقی به رادیو و از طرف دیگر، با منزلت‌یابی و جایگاه‌یابی حاملان و عاملان این هنر به واسطه شرکت آن‌ها در برنامه‌های رادیویی، به اشاعه اهداف نظام اجتماعی کشور کمک شایانی کرد. بدین ترتیب کنشگران موسیقی تبدیل به نیروهای تحول‌خواه (فاضلی، خالدیان و فردوسی، ۱۳۹۶: ۱۴۴) مؤثری شدند که به مدد هواداران خود مروج تأسیس ساختارهای نهادی مدرن متعارف در سطح جهان شدند؛ به طوری که بسیاری از جنبش‌های اجتماعی و سیاسی از موسیقی به عنوان ابزاری ابتکاری برای تحقق رسالت خود در حاکمیت عدالت اجتماعی استفاده کردند.

۳. یکپارچگی. هر نظامی باید روابط متقابل بین بخش‌های مختلف خود را تنظیم کند. نظام‌های کلان اجتماعی، متشکل از کلان‌شهرها و شهرهای چند قومیتی و چند ملیتی هستند. کلان‌شهرهای ایران نیز، متشکل از اقوام و اقلیت‌های دینی و نگرش‌های متفاوت اجتماعی هستند و هر یک، نوع خاصی از موسیقی را تولید و مصرف می‌کنند (فاطمی، ۱۳۸۲). رسانه رادیو، قادر است با احترام به ذائقه مخاطبانی که متعلق به اقوام و اقلیت‌های مختلف هستند، موجد انسجام ملی شود. بدین ترتیب که رادیو، با پخش موسیقی در تمام لایه‌های اجتماعی و همبستگی گروه‌های مخاطبان مختلف، با استفاده از برنامه‌های تکمیلی و تحلیلی و آگاهی‌دهنده، که فقط از طریق رسانه‌های پرمخاطبی مانند رادیو و تلویزیون امکان‌پذیر است؛ به انسجام و یکپارچگی در جامعه کمک می‌کند.

۴. نهفتگی. یکی از مهم‌ترین کارکردهای مورد نیاز هر جامعه انتقال فرهنگی است. با توجه

به رسالت موسیقی در هر جامعه، حاملان و عاملان موسیقی این امکان را دارند که در امر انتقال فرهنگی نقش آفرینی کنند. در گذشته، این رسالت به سختی انجام می شد، به طوری که نوازندگان و آوازخوانان می بایست برای این منظور به تغییر مکان و مهاجرت و جابه جایی های مشکل روی آورند؛ زیرا بدون وسایل ارتباطی نظیر رادیو در حالت ایستایی، عناصر فرهنگی قابلیت انتقال محدودی دارند. برای مثال، کولی ها در داخل و خارج ایران، با گردش و تغییر مکان های کوچ مانند، سبب انتقال موسیقی و هنرهای دیگر از ایران به اقصی نقاط دنیا نیز شدند. این رسالت در کشور ایران با کوچ عشایر و کولی ها نیز محقق می شد.

با ورود و نقش آفرینی رادیو و قدرت بالای آن در ایجاد انگاره های فرهنگی (بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۱۰۴) این نیاز کارکردی با قوت بیشتری برآورده شد. برای نمونه، با ایجاد فضایی در زمان جنگ برای موسیقی دانان آن ها قادر شدند مردم را برای دفاع از کشور تهییج کنند. نمونه های مشابه دیگری وجود دارند، که در زمان وقوع زلزله، سیل و بلایای طبیعی، که در آن افراد جامعه نیاز به یک وفاق ملی و تلفیق احساسات مشترک دارند، رادیو اقدام به پخش موسیقی های احساس برانگیز و دلگرم کننده کرد (رستاق، ۱۳۹۴: ۲).

ب. دلالت توسعه نظام اجتماعی بر جایگاه موسیقی با نقش آفرینی رادیو

در بندهای پیشین، نقش آفرینی رادیو با میانجیگری بین موسیقی و توسعه نظام اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و قراین معینی در آن خصوص ارائه شد. اکنون تأثیر متقابل توسعه نظام اجتماعی بر جایگاه موسیقی مورد توجه قرار می گیرد. در اینجا نیز رادیو نقش عنصر میانجی را ایفا می کند.

۱. دلالت انطباقی. همان طور که موسیقی به مدد رادیو توانست اهداف متنوع خود را در سطح جامعه گسترش دهد، در سوی دیگر، این فضای نظام اجتماعی ایران بود که به مرور زمان باعث شد که سبک های مختلف موسیقی به واسطه شکل گیری و توسعه صنعت موسیقی (سالو، لَنکینن و مانتیماکی، ۲۰۱۳: ۲۸) منافع عده کثیری از کنشگرانی را برآورده سازند که با ایرانیزه کردن علم موسیقی به پیدایش گونه های جدیدی از موسیقی در ایران کمک کردند. برای نمونه، با ورود موسیقی جاز به ایران، با گذشت زمان کوتاه، این سبک تبدیل به پاپ - جاز ایرانی شد. با این حساب، ذائقه و علاقه مردم به فرهنگ و احساسات خود موجد تغییر این سبک آمریکایی و تبدیل آن به نوعی از موسیقی ایرانی شد که با گونه اصیل خود تفاوت های بنیادی دارد؛ اگرچه حاملان اولیه این سبک ایرانیزه شده، هیچ گاه آن را با سبک اصلی مقایسه نمی کنند و به کلی منکر برگیری آن از خارج هستند. با تکیه بر این قرینه، می توان دید که سبک جاز ایرانی در انطباق با احساسات و نگرش های شهرنشینان ایرانی به حوزه موسیقی راه یافت (آتشی، ۱۳۹۵). نقش رادیو در این انطباق بسیار پررنگ بوده است چون، از طریق رادیو

نمی‌توان تصویر نوازندگان و ادوات موسیقی جاز را در معرض دید قرار داد و اطلاعات مردم کوچه و بازار از نکات فنی سبک‌ها و ژانرهای موسیقی بسیار پایین بود؛ پس فقط با شنیدن، در آن خصوص قضاوت می‌کردند (مجله سپید و سیاه، ۱۳۵۷: ۸). ذکر این نکته تکمیلی ضرورت دارد که موسیقی جاز آمریکایی دارای سازبندی خاص و اکسنت‌های متفاوت در خوانندگی و نوازندگی و حتی نوع پوششش ارکستر است، که در رسانه رادیو می‌توان آن‌ها را ندید و از موسیقی آن لذت برد. علاوه بر آن، ظرفیت بالای انطباقی نظام اجتماعی، منجر به تسهیل اشاعه موسیقی از طریق قیچ‌زدایی از تولید و مصرف موسیقی شد و هزینه تولید آثار موسیقی را تقلیل داد (ملکان و موذن، ۱۳۹۴: ۴۶).

۲. دلالت نیل به هدف. نظام اجتماعی ایران در هدف‌گذاری و رسیدن موسیقی به اهداف هنری خود از طریق رسانه رادیو نقش بارزی دارد (همان: ۵۱). مطرح شدن حاملان و عاملان موسیقی، در سطح جامعه و تثبیت جایگاه اجتماعی موسیقی‌دانان بین مردم به واسطه رسانه رادیو، رسالت موسیقی را دچار تحول کرد. تا قبل از ورود رادیو، موسیقی‌دانان در پی کسب شهرت و دیده شدن و مطرح شدن نبودند و فقط به رسالت فنی - حرفه‌ای خود فکر می‌کردند، ولی از زمان تأسیس رادیو به بعد، بر حسب ملاک‌ها و ارزش‌گذاری‌های نظام اجتماعی، نظیر تطابق با هنجارهای فقهی در دوره آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی ایران (همان: ۵۲) بود که منزلت، اهداف و رسالت‌های هنرمندان موسیقی تعیین می‌شد. رادیو، بزرگ‌ترین سهم را در این باره به خود اختصاص داد زیرا، رسانه‌هایی مانند روزنامه و مجله نمی‌توانستند به انتشار صدای موسیقی بپردازند. ظهور تلویزیون در سال ۱۳۳۷ نیز، تا مدت‌ها رقیبی برای جایگاه رادیو نبود زیرا، همگان از داشتن ارتباطات تلویزیونی و امکان دریافت تصاویر در ایستگاه‌های آن در سراسر کشور بهره‌مند نبودند؛ ولی رادیو تقریباً به راحتی همه جا در دسترس بود. بنابراین خوانندگان و نوازندگان با مطرح شدن صدا و نامشان در رادیو به منزلت اجتماعی و بالاتری رسیدند، تا آنجا که این امر یک افتخار برایشان محسوب می‌شد و با گذشت زمان طولانی از آن سال‌های اولیه هنوز هم این موضوع یک ارزش محسوب می‌شود (صادقی، ۱۳۷۵: ۲۳۴).

۳. دلالت انسجامی. تأثیر متقابل توسعه نظام اجتماعی و موسیقی، به اتکای قرآینی که ارائه می‌شود، ارزشمند و قابل توجه است. تا قبل از ورود ایران به مسیر توسعه، در اوایل دوران پهلوی، میان اهالی موسیقی، همانند هنرهای دیگر، انسجام فنی - حرفه‌ای و اجتماعی مشخصی وجود نداشت به طوری که حتی نوازندگان مشهور، توانمند و اهل موسیقی نیز از وجود سازهای محلی مناطق دیگر کم‌خبر و گاه بی‌خبر بودند و هیچ‌گونه تبادل اطلاعاتی بین سطوح مختلف کنشگران درگیر در حوزه موسیقی وجود نداشت. با وقوع سطوحی مشخص از توسعه فرهنگی - اجتماعی در کشور، کم‌کم افراد جامعه به لحاظ مهاجرت‌ها و تحرک‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توانستند با فرهنگ و رسوم مناطق دیگر آشنا شوند؛ که در این میان آشنایی

با مختصات فرهنگی موسیقی نیز قابل ذکر است. گسترش موسیقی پاپ محل تقاطع نظام اجتماعی موسیقی قلمداد می‌شود (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۶). در این جا نیز حضور رسانه رادیو، به عنوان میانجی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، زیرا با تأسیس رادیو در کشور، که یکی از مصادیق بارز ورود کشور به مسیر توسعه قلمداد می‌شود، در کوتاه‌ترین زمان، تمام مراکز استان‌ها مجهز به ایستگاه رادیویی شدند و با گذشت کمتر از ۱۰ سال در تمام کشور صدای رادیو به گوش می‌رسید و هنرمندان می‌توانستند هنر خود را به همه افراد جامعه ارائه دهند. این امتیاز کمک کرد انسجام فنی - حرفه‌ای و اجتماعی بسیار قابل توجه و سریعی بین اهالی موسیقی و فرهنگ کشور شکل گیرد.

۴. دلالت نهفتگی. مهم‌ترین تاثیر متقابل توسعه نظام اجتماعی ایران و جایگاه موسیقی، در برآورده کردن نیاز کارکردی حفظ و انتقال فرهنگی است. با توسعه نظام اجتماعی و بالارفتن سطح سرمایه فرهنگی و اقتصادی جامعه، به موسیقی به عنوان یک شغل و یک ارزش اجتماعی - فرهنگی نگریسته شد؛ به این معنی که با رشد فکری جامعه، اهالی هنر متوجه شدند برای رسالت انتقال خود نیاز به سواد هنری بالاتر مانند یادگیری نت و تئوری موسیقی برای تدریس موسیقی به علاقه‌مندان دارند و این نیاز باعث شد، طی چند سال موسیقی دانان ایرانی نیز مانند اروپاییان، به سواد تئوریک و علمی موسیقی مجهز شوند (خالقی، ۱۳۸۶: ۵۸). در این بین، باز هم رادیو دارای نقش ویژه‌ای بود و با معرفی خوانندگان و نوازندگان به علاقه‌مندان آنها توانست امکان این مهم را به وجود آورد. به دلیل وسعت ایران و تنوع اقوام در کشور و وجود فاصله‌های بزرگ بین شهرها و روستاها، رادیو مهم‌ترین وسیله انتقال دانش و علم موسیقی بود و هنوز هم جزء بهترین وسایل ارتباط جمعی از آن نظر، محسوب می‌شود.

ج. دلالت توسعه نظام اجتماعی و توسعه جایگاه موسیقی بر جایگاه رسانه رادیو

افزوده مهم مطالب ارائه‌شده در این مقاله، این است که رادیو - برغم اینکه یک عنصر میانجی در توسعه متقابل موسیقی و نظام اجتماعی ایران معرفی شد - همگام با توسعه نظام اجتماعی از یک سو و ارتقای جایگاه موسیقی از سوی دیگر در این دوره (۱۳۱۹- تاکنون)، تحت تأثیر تغییرات یادشده قرار گرفته و خود نیز در چهار حوزه نیازهای کارکردی تحول رو به رشد را تجربه کرد.

۱. دلالت انطباقی. رادیو از ابتدا تاکنون، با تحول‌های توسعه‌ای در سطح نظام اجتماعی و همچنین با قبض و بسط جایگاه موسیقی در کشور، برنامه‌های خود را تنظیم کرده است، به طوری که تقریباً هیچ یک از برنامه‌های رادیو، خارج از ظرفیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام اجتماعی نبوده و هیچ یک از برنامه‌های آن بدون استفاده از موسیقی آغاز و پایان نیافته است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

۲. **دلالت نیل به هدف.** با ارتقای جایگاه هنرمندان موسیقی در جامعه، از یک سو هدف‌هایی مانند توجه به هنر و برنامه‌سازی برای موسیقی در رادیو (نظیر رادیو نوا و رادیو آوا) نهادینه شدند و از سوی دیگر در راستای تغییرها و رشد سرمایه فرهنگی مردم و شکل‌گیری ذائقه‌های جدید، رادیو به سمت یک رسانه مسئولیت‌پذیرتر و مورد اعتمادتر رهنمون شد.

۳. **دلالت انسجامی.** رادیو با توجه به استفاده از موسیقی به عنوان محتوا و همچنین استفاده از انواع موسیقی برای پر کردن میان‌برنامه‌های رادیو، انسجام هنری زیبایی به تمام آیتم‌های برنامه‌های خود از ابتدای تأسیس تاکنون داد. با این کار همگرایی بیشتری در احترام به ذائقه و سلیقه جمعی کنشگران جامعه ایجاد کرد (خجسته، ۱۳۸۹).

۴. **دلالت نهفتگی.** همان‌طور که رادیو به ارتقای جایگاه موسیقی و توسعه نظام اجتماعی کمک شایانی کرد از طرف دیگر، نیاز به پخش ژانرهای مختلف موسیقی و استفاده مخاطبان متفاوت از آن‌ها، سبب هویت‌یابی رادیو به مثابه یک رسانه غنی از فرهنگ اسلامی - ایرانی شد. برای نمونه اداره کل نعمات دینی و آیینی و وظیفه تنظیم کارکرد حفظ هویت اسلامی - ایرانی در برنامه‌های مختلف صدای جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشت (بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۱۰۶). از حاصل جمع مطالب فوق که به بیان و ارائه قراین متناسب با تأثیرهای متقابل ارتقا بخش سه ضلع مورد بررسی (رادیو، موسیقی و نظام اجتماعی) اختصاص داشت، می‌توان دوازده گزاره اظهار کرد؛ گزاره‌هایی که هر یک با قراین متناسب پشتیبانی شدند. این دوازده گزاره عبارت‌اند از:

گزاره‌های مستخرج از تأثیرهای متقابل سه ضلعی رادیو، موسیقی و نظام اجتماعی

۱. موسیقی با همکاری رادیو، توانایی انطباق را با توسعه اجتماعی در طول زمان پیدا کرد.
۲. موسیقی به واسطه رادیو، توانست با هدف‌گذاری و رسیدن به اهداف خود در توسعه نظام اجتماعی نقش مؤثر ایفا کند.
۳. موسیقی به مدد رادیو - با وجود تنوع و کثرت اقوام و تفاوت‌های چشمگیر آداب و رسوم هر منطقه - توانست وحدت و یکپارچگی میان کنشگران موسیقی ایجاد کند و در نتیجه، موسیقی اصیل و موسیقی‌های محلی، به مثابه یک زبان تخصصی - همانند زبان‌های رسمی و غیررسمی - در دل و روح جامعه جای‌گیر شد.
۴. موسیقی با نقش‌آفرینی رادیو، موفق به نگهداشت و انتقال پیام‌های خود در راستای توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شد. حتی در بُعد سیاسی نیز، به عنوان ابزار قدرت در دست سیاست‌مداران وسیله‌ای برای پیام‌رسانی‌های سیاسی در قالب سرودهای انقلابی، ارزشی، سرودهای مربوط به پرچم و نمادهای ملی و انتقال پیام‌های احساس برانگیز شد.
۵. با توسعه یافتن نظام اجتماعی ایران، موسیقی به کمک قدرت پیام‌رسانی رادیو، توانست سبک‌های متفاوت خود را، منطبق با تنوع فکری و روحی و روانی جامعه، رشد دهد و ژانرهای متفاوتی

- را به جامعه بشناساند که این مهم فقط با توسعه یافتگی و نوگرایی جامعه و البته با توانمندی و حمایت رادیو محقق شد.
۶. با توسعه یافتن نظام اجتماعی، ارتقای جایگاه هنر موسیقی و حاملان و عاملان آن (نوازندگان، خوانندگان، آهنگسازان، ترانه‌سرایان، هنرجویان و حتی سازها) نیز به مثابه یک هدف در سطوح عالی جامعه دنبال شد. موسیقی در این مسیر به کمک قدرت رادیو توانست به هدف‌هایی برسد که تا قبل از آن برای اهالی این هنر امکان‌پذیر نبود.
۷. با توسعه اجتماعی و بالارفتن سطح آگاهی جامعه با کمک رادیو، این امکان برای موسیقی نیز پیش آمد که به یک انسجام و یکپارچگی فنی - حرفه‌ای برسد تا بتواند رابطه منطقی و علمی بین موسیقی اصیل و انواع موسیقی‌های دیگر از جمله موسیقی محلی، موسیقی عرفانی، موسیقی تخته حوضی و ژانرهای دیگر خود برقرار کند.
۸. با سیاست‌گذاری‌های حکومت‌ها به کمک رسانه رادیو، انتقال و نگهداشت موسیقی باعث توسعه و رشد فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی ایران شد. با توجه به رشد و توسعه اجتماعی جامعه، موسیقی هم مانند علوم و هنرهای دیگر در جامعه طرفدار و علاقه‌مندان خود را پیدا کرد و این هنر در کشور باعث رشد و رونق اقتصادی، فرهنگی کل جامعه نیز شد.
۹. رادیو با منطبق کردن برنامه‌های خود، همگام با ارتقای موسیقی و توسعه فرهنگی - اجتماعی جامعه، توانست به عنوان یک رسانه محبوب و بسیار کارآمدتر از رقیبان خود، مانند تلویزیون، در ایران رشد کند.
۱۰. رادیو با کمک هنر موسیقی و به اتکای روند توسعه نظام اجتماعی، توانست رسالت‌های خود را به عنوان یک رسانه شنیداری و اهداف و سیاست‌های اهالی قدرت را به عنوان متولیان رسمی فرهنگ در کشور، تثبیت کند.
۱۱. استفاده از موسیقی در رادیو، متناسب با شئون و ذائقه‌های مختلف اقوام در کشور موجب وحدت و یکپارچگی در سطوح محلی و ملی شد، به طوری که در مناسبت‌های مختلف از نمادهای ملی و در زمان‌هایی دیگر به خرده‌فرهنگ‌ها و مسائل درون قومی توجه کرد.
۱۲. رادیو با داشتن نقش انتقال موسیقی در بستر رشد فکری جامعه، توانست هویت خود را به عنوان یک رسانه مؤثر تثبیت کند، تا آنجا که حتی با ظهور رسانه قدرتمندی مانند تلویزیون (۱۳۳۷) و یا بعدها با ظهور اینترنت (۱۳۷۰) باز هم رادیو در جایگاه و منزلت خاصی بین رقبای رسانه‌ای خود قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار نقش بی‌بدیل رسانه‌ها (با تأکید بر رادیو) در تحول‌های معطوف به رشد و ارتقای متقابل موسیقی و نظام اجتماعی ایران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از وابستگی متقابل،

بنیانگذاری تغییر هدفمند متقابل و گرایش به ایجاد توازن و تعادل متقابل میان عناصر نظام اجتماعی، موسیقی و رسانه رادیو بود؛ در حالی که، هر یک از آن‌ها حدود و صغور مخصوص به خود را حفظ کردند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های فاضلی و همکاران (۱۳۹۶)، ملکان و موذن (۱۳۹۴)، بیچرانلو (۱۳۹۳) همخوانی دارد. بدین ترتیب می‌توان چنین اظهار کرد که رسانه رادیو در سلسله مراتب کنترل اجتماعی "نقش واسط" را بر عهده گرفت؛ به طوری که انتظارات، قواعد و مقررات مورد نظر نظام اجتماعی را به حوزه موسیقی و حاملان و عاملان آن انتقال داد. از سوی دیگر، پیام‌ها، نمادها، هیجان‌ات، احساسات و هنر موسیقی را در راستای نظم‌بخشی، انسجام‌بخشی، تحول‌خواهی در چارچوب آرمان‌های اسلامی-ایرانی و هویت‌بخشی به کلیت نظام اجتماعی، به مثابه موجودیتی مرکب از هویت ایرانی، اسلامی و مدرن به کار گرفت. علاوه بر آن موارد، رسانه رادیو در شکل‌گیری و قوام صنعت موسیقی و به تبع آن در رونق توسعه اقتصادی نقش بی‌بدیلی ایفا کرد.

منابع

- اسکاجپول، تدا. ۱۳۹۲. بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی. ترجمه سیدهاشم آقاجری. تهران: نشر مرکز.
- آتشی، مینا. ۱۳۹۵. "راه پر پیچ و خم سبک‌های مختلف موسیقی در ایران". تارنمای هنر آنلاین.
- بورديو، پیر. ۱۳۹۰. نقد اجتماعی و قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر ثالث.
- بیچرانلو، عبدالله. ۱۳۹۳. "رسانه موسیقی و جوانان ایرانی؛ با تمرکز بر موسیقی در تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان". فصلنامه رسانه. ۲۵(۲). ۱۰۱-۱۱۹.
- پارسونز، تالکوت. ۱۳۷۹. ساخت کنش اجتماعی. ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.
- حجاریان، محسن. ۱۳۹۸. تاریخ‌نگری موسیقی ایران. تهران: مؤسسه آبی پارس و نشر پل فیروزه.
- خالقی، روح‌الله. ۱۳۸۶. نظری به موسیقی. تهران: نشر صفی‌علیشاه.
- خجسته، حسن. ۱۳۸۹. "کنش جمعی کاربرد موسیقی در رادیو". فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. ۱۳(۳). ۳۹-۶۷.
- رستاق، امیر. ۱۳۹۴. "نگاهی بر ده اثر شناخته شده موسیقی جنگ". بی‌بی‌سی فارسی.
- سپید و سیاه. ۱۳۵۷. مجله فرهنگی-اجتماعی. شماره ۱۰۹۸.
- صادقی؛ فواد. ۱۳۷۵. پایان تک صدایی: چهارده گفتگو درباره تلویزیون خصوصی. تهران: نشر میراث اهل قلم.
- صفرزاده، فرهودی. ۱۳۹۸. در قفس (زندگی استاد صبا). تهران: نشر فنجان.
- عظیمی، میلاد. ۱۳۹۱. پیرپرنیان‌اندیش (زندگی نامه هوشنگ ابتهاج). تهران: نشر سخن.
- فاضلی، نعمت‌اله؛ اقبال خالیدان و مهراوه فردوسی. ۱۳۹۶. "تحلیل نشانه‌شناختی ترانه‌های سیاه و رابطه آن با واقعیت‌های اجتماعی دهه ۸۰". فصلنامه رسانه. ۲۸(۳). ۱۴۱-۱۵۸.
- فاطمی، ساسان. ۱۳۹۲. پیدایش موسیقی مردم‌پسند در ایران: تأملی بر مفاهیم کلاسیک، مردمی، مردم‌پسند. تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور.

کوثری، مجتبی و مسعود کوثری. ۱۳۹۱. رادیو و موسیقی. تهران: دریاچه نو.
 محمدپور، احمد؛ ابوبکر شریعت پناه و احمد غلامی. ۱۳۹۲. "تحلیل جامعه‌شناسی شیوه برساخت هویت از رهگذر
 مصرف موسیقی عامه‌پسند". فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران. ۷(۴). ۱۳۷ - ۱۵۹.
 ملائی توانی، علیرضا. ۱۳۹۳. درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نشر نی.
 ملک‌ان، مجید و کاظم موذن. ۱۳۹۴. "سیاست‌گذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه رسانه. ۲۶(۲)، ۴۵-۶۸.
 میرنقیبی، سیدرضا. ۱۳۷۷. موسیقی نامه وزیری: مقاله‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های پراکنده. تهران: معین.

Azevedo, Margarida. 2016. *The evaluation of the social impacts of culture : culture, arts and development.*

Economics and Finance. Université Panthéon-Sorbonne – Paris.

Celasin Cenk. 2013. "The Effects of Musical Elements in Mass Media and Internet on the Social
 Development of Children and Adolescents". *International Journal of Education.* 2(3), 79-89.

Horowitz, Joseph. 2005. *Classical Music in America: A History of Its Rise and Fall.* New York: Norton.

Marana, Maider. 2010. *Culture and Developmet: Evolution and Prospects.* UNESCO.

Midgley, James. 1998. *Social Developmen: the Developmental Perspective and Social Welfare.* London:
 Sage Publication.

Rager, Daniel. 2008. "The Role of Music in Society Past, Present and Future". *Music Faculty Publications.* 3.

Salo, J., Lankinen, M., & Mäntymäki, M. 2013. "The Use of Social Media for Artist Marketing Music
 Industry Perspectives and Consumer Motivations". *International Journal on Media Management.*
 15(1), 23-41.

Schulkin, Jay. 2013. *Reflections on the Musical Mind: An Evolutionary Perspective.* Princeton (New
 Jersey): Princeton University Press.